

مرور کلی مواضع امام خمینی (ره)

در پنج مقطع از تاریخ جنگ (با تأکید بر مذاکرات صلح)

حمید فرهادی نیا^(۱)

مقدمه

واکنش امام خمینی (ره) در برابر تقاضای هیئتهای صلح پس از سفر به تهران اساساً، از سه مسئله متأثر بود:

الف) چهار چوب و مبانی تفکر امام (ره) نسبت به ماهیت جنگ و صلح

امام (ره) صدام را فردی امریکایی - بعثی و غیرمسلم می دانستند که برای منافع امریکا علیه اسلام و کشور اسلامی ایران به جنگ وارد شده و به کشتار و غارت اقدام کرده است. بر پایه همین ملاحظه، امام (ره) این جنگ را جنگ اسلام و کفر نامیدند و ضمن واجب دانستن دفاع، بر حسب ماهیت تجاوز، مقاومت را اسلامی و تکلیف دانستند و فرمودند: «ما برنده جنگ هستیم و هیچ تردیدی در این نیست، به فرض اینکه ما هم کشته بشویم».

بنابر این، امام (ره) با برداشتی که از ماهیت جنگ داشتند، هرگونه اقدامی را در چنین شرایطی سازشکارانه دانستند؛ اقدامی که عملاً، نمی توانست منافع ملت ایران و اسلام را تضمین کند و متجاوز نیز تنبیه شود.

ب) واقعیت‌های جنگ و ارزیابی امام (ره) از قدرت ملت

ایران و ضعفهای عراق

از همان آغاز، امام (ره) فراتر از واقعیت‌های جنگ و در جریان حضور آنها در داخل سرزمینهای کشورمان، رژیم عراق را به دلیل غیراسلامی بودن، اتکا به قدرتها، نداشتن پایگاه مردمی و انگیزه غیراسلامی شکست خورده می دانستند و مردم عراق را نیز طی پیامهای مختلف به قیام علیه رژیم عراق دعوت می کردند.

امام (ره) متقابلاً، ملت ایران را به دلیل ایمان مردم و قدرت معنوی آنها، انسجام درونی، روحیه انقلابی و اسلامی و شهادت طلبی، برتر و پیروز می دانستند به اعتقاد ایشان، همان طور که در مبارزه با شاه و پیروزی انقلاب، قدرت اسلام ظهور کرد و رژیم شاه را به رغم حمایت‌های خارجی و قدرت نظامی در هم شکست، در برابر تجاوز عراق نیز می توانست به پیروزی برسد.

ج) روش برخورد هیئتهای صلح و شخصیت‌های پیشنهاد

دهنده برای صلح

تمامی اشخاص و سازمانها پیش از آنکه برقراری صلح را به معنای حقیقی خواستار باشند، در واقع، مایل بودند ایران از حقوق خود صرف نظر کند. این روش ناعادلانه،

(۱) محقق و صاحب نظر در مسائل سیاسی و استراتژیک



امام خمینی (ره) بر این باور بودند که منطق فشار به ایران و نادیده گرفتن حقوق ملت آن، تنها به دلیل تعهد ملت ما به اسلام است؛ بنابراین ایشان در پیام برائت فرمودند:

«به خوبی دریافته ایم که برای هدف بزرگ و آرمانی اسلامی - الهی باید بهای سنگینی پرداخت نماییم و شهدای گرانقدری را تقدیم کنیم و جهان خواران ما را راحت و آرام نخواهند گذاشت»

ایران و عراق خواست به جنگ پایان دهند و پیشنهادهای صلح و میانجیگری را بپذیرند. در تمامی ملاقاتها، و پیشنهادها و بیانیه‌ها، به تجاوز عراق به ایران و ضرورت حفظ تمامیت ارضی ایران و عقب نشینی فوری عراق هیچ گونه اشاره‌ای نشد و تنها بر آتش بس بدون عقب نشینی عراق تأکید می‌شد، حال آنکه هیچ گونه تضمینی وجود نداشت که پس از برقراری آتش بس نیروهای عراق از سرزمینهای اشغالی خارج شوند.

افزون بر اینکه هیچ گونه توجهی به مواضع و خواسته‌های ایران صورت نمی‌گرفت، در چنین شرایطی، هرگونه تلاش برای صلح بیشتر به سود عراق ارزیابی می‌شد، زیرا، صدام پس از تجاوز اولیه به ایران برابر تحلیل صاحب نظران و واقعیت‌های جنگ هیچ گونه موفقیت چشمگیری به دست نیاورده بود و تمام ادعای وی مبنی بر جنگ سریع و پیروزی سه روزه با شکست همراه شده بود؛ بنابراین، این گونه تلاشها بیشتر با هدف نجات صدام از مخمصه قابل ارزیابی بود.

ضمن اینکه به طور طبیعی، مذاکره و صلح تحمیلی به عنوان یک روی سکه، مکمل جنگ تحمیلی پیش بینی شده بود و این می‌توانست برای تبلیغات صدام، رژیم عراق و پرستیژ صلح طلبی قابل بهره برداری باشد، همان طور که صدام پس از پیشنهاد صلح به ایران، نمایندگان خود را به یازده کشور عرب و غیرعرب

نادیده گرفتن حق و بی توجهی به واقعیتها و ماهیت جنگ بود. امام (ره) از این روش انتقاد و در پاسخ به پیشنهادها، مسائلی را برای آنها یادآوری می‌فرمودند. در واقع، آنچه پیشنهاد می‌شد، بر اساس معیارهای حقیقی و عادلانه و با در نظر گرفتن واقعیتها نبود. و به همین دلیل، در عمل نمی‌توانست به صلح منجر شود و امام (ره) نیز از پذیرش آن خودداری می‌فرمودند.

مواضع امام خمینی (ره) در مقطع یکم (پس از هفته نخست جنگ)

در تاریخ ۲ مهر ماه سال ۱۳۵۹، سه روز پس از تجاوز عراق به ایران، حبیب شطی، دبیرکل سازمان کنفرانس اسلامی، که پیش از این از مواضع عراق در برابر ایران دفاع می‌کرد، طی نامه‌ای به ایران و عراق، درخواست برقراری آتش بس را مطرح کرد. در تاریخ ۳ مهر ماه سال ۱۳۵۹ نیز، اپک درخواست مشابهی را مطرح کرد. در همین روز، کورت والدهایم، دبیرکل وقت سازمان ملل، از رئیس شورای امنیت درخواست برگزاری اجلاس فوق العاده کرد. در تاریخ ۶ مهر ماه سال ۱۳۵۹، ضیاءالحق، رئیس جمهور وقت پاکستان و رئیس وقت کنفرانس اسلامی، همراه با حبیب شطی و یاسر عرفات به تهران آمدند. در ۷ مهر ماه، نیز صدام از سازمان ملل درخواست آتش بس کرد. سازمان ملل در تاریخ ۷ مهر ماه، طی بیانیه‌ای، از

امام (ره) این جنگ را جنگ اسلام و کفر نامیدند و ضمن واجب دانستن دفاع، بر حسب ماهیت تجاوز، مقاومت را اسلامی و تکلیف دانستند و فرمودند: «ما برنده جنگ هستیم و هیچ تردیدی در این نیست، به فرض اینکه ما هم کشته بشویم»

اهواز با محاصره سوسنگرد افزودند. در این مقطع، امام (ره) در دو دیدار متفاوت با اعضای کنفرانس اسلامی و حبیب شطی در تاریخ ۱۳۵۹/۷/۲۸ و مطالبی را فرمودند که در روشن کردن ماهیت تلاشها و پیشنهادهای صلح بسیار تعیین کننده بود. ایشان در دیدار با اعضای کنفرانس اسلامی با انتقاد از روش برخورد های این کشورها فرمودند: «کدام یک از کشورهای اسلامی بررسی کردند در اینکه طاغی و یاغی کیست و آن کسی که هجوم کرده است، کیست تا اینکه همه به امر خدا با او مقاتله کنند؟ ... بر دولتهای اسلامی به نص قرآن واجب است که مقاتله کنند با دولت عراق تا برگردد به ذکر خدا و امر خدا». امام (ره) در دیدار با حبیب شطی به طور مفصل تری در این زمینه استدلال کردند. و در مورد مهاجم بودن عراق نیز فرمودند: «الآن جنگ در ایران است و همین دلیل تهاجم بر ماست و اگر ما مهاجم بودیم در عراق بودیم.»

امام (ره) در مورد ماهیت پیشنهاد عراق و دلیل آن نیز فرمودند: «هرکس جنایت بکند، شهر و روستاهای ما را بگیرد، آرزو می کند آتش بس برقرار شود.» ایشان با این بیان تأکید فرمودند: «برقراری آتش بس آرزوی عراق است و ما چرا باید به آن تن در دهیم.» امام سپس، مطالبی را فرمودند که بخش دیگری از شرایط ایران برای صلح را روشن کرد: «اگر دولتها می خواهند صلح و صفا باشد، باید با آن کسی که مهاجم بوده و بغی

فرستاد و از آنها تقاضای میانجیگری کرد. امام (ره) پس از مواضع اولیه نسبت به جنگ، تفسیر و تحلیل ماهیت جنگ و علل تجاوز عراق به ایران، در پاسخ به پیشنهاد صدام فرمودند: «صدام حسین دستش را دراز کرده با ما مصالحه کند، ما با او مصالحه نداریم یک آدمی است که کافر است فاسد است و ما با مفسد نمی توانیم مصالحه کنیم.»^۲ ایشان همچنین، تأکید فرمودند: «قضیه صلح و سازش در کار نیست و ما اصلاً مذاکرات نمی کنیم.» امام (ره) سپس مسائلی را فرمودند که به منزله تبیین شرط ایران بود: «اگر بروند کنار و از همه جا بروند و بیرون بروند از همه جا و تسلیم بشوند، ما آن وقت ممکن است به واسطه اینکه بین مسلمین خیلی چیز نشود، ما هم یک سکوتی بکنیم.»^۳ بر طبق این توضیح، شرط تعیین شده به شرح زیر بود: «عقب نشینی عراق از همه مناطق اشغال شده.»

مواضع امام خمینی (ره) در مقطع دوم پس از ناکامی عراق و استقرار در مناطق اشغالی

عراقیها که تصور می کردند پس از جنگ تحمیلی قادر هستند با اهرم حضور نظامی در مناطق اشغالی، ایران را برای صلح تحمیلی به پای میز مذاکره بنشانند، دوباره، ناامید و ناکام شدند. به همین دلیل بر دامنه فشار نظامی خود برای اشغال خرمشهر و آبادان و پیشروی به سمت

در دی ماه همان سال، طارق عزیز معاون، وقت نخست وزیر، گفت: «وجود چند ایران کوچک بهتر از وجود یک ایران واحد خواهد بود. ما از روش ملیتهای مختلف ایران پشتیبانی می کنیم و همه سعی خود را بر تجزیه ایران به کار خواهیم بست.»

برابر شرایط جدید، از یکسو مواضع ایران به دلیل بن بست نظامی و مناقشه سیاسی ضعیف شده بود و در چنین وضعیتی، هرگونه مذاکره از موضع ضعف ارزیابی می شد و از دیگر سو، عراقیها نیز به دلیل احساس برتری، از مواضع جدید سخن می گفتند و هیچ گونه تمایلی به مذاکره نداشتند؛ زیرا، روند تحولات سیاسی - نظامی را به سود خود می دانستند و مترصد بهره برداری از فرصتهای جدید برای تحقق اهداف سیاسی - نظامی عراق بودند.

در چنین وضعیتی، شهید رجایی، نخست وزیر وقت، در دیدار با دبیرکل وقت سازمان ملل، که برای میانجیگری به تهران سفر کرده بود، گفت: «تا زمانیکه

و هجوم کرده است، با او قتال کنند تا برگردد به امر خدا بیرون برود، خسارات مرا جبران کند، دستش را از مملکت عراق کوتاه کند و ملت عراق را آزاد بگذارد.»

با بیان این مسائل شرایط ایران برای صلح کامل تر شد:

(۱) عقب نشینی بدون قید و شرط،

(۲) پرداخت خسارت و

(۳) استعفا از حکومت عراق و آزاد گذاشتن ملت عراق.

تدریجاً، پس از ناکامی ارتش به فرماندهی بنی صدر در بیرون راندن نیروهای اشغالگر و همچنین، افزایش مناقشه سیاسی، عراقیها با خیال آسوده به تحکیم مواضع در مناطق اشغالی پرداختند و مسئولان عراقی سخنانی را بیان کردند که نشان می داد ماهیت صلح طلبی عراق جز از موضع ضعف و یا تحمیل شکست در عرصه سیاسی به ایران چیز دیگری نبوده است.

در ۲۱ آبان ماه سال ۱۳۵۹، صدام طی مصاحبه ای گفت: «اکنون وقت آن رسیده که [امام] خمینی بگوید مرزهایش کجاست و نقشه ایران در کجا قرار دارد؟»



خاک کشور ایران در اشغال نیروهای تجاوزگر است، هیچ راه حل سیاسی نمی‌تواند مورد قبول قرار گیرد.^۴ شهید رجایی در خرداد ماه سال ۱۳۶۰، و پس از حذف بنی‌صدر از صحنه سیاسی ایران و انجام عملیات ولایت فقیه و پیروزی رزمندگان طی موضعگیری جدید، بر دو نکته تأکید کرد:

الف) ما سرنوشت جنگ را در میدان جنگ تعیین خواهیم کرد.

ب) اگر هیئتهای صلح پیشنهاد جدیدی ندارند، از سفر به تهران خودداری کنند.

این موضعگیری عملاً سبب شد تردد هیئتهای صلح، که فاقد پیشنهاد سودمند بودند، به تهران پایان یابد و از سوی دیگر، روند آزادسازی مناطق اشغالی تدریجاً، آغاز و مناقشه سیاسی نیز با حذف بنی‌صدر و منافقین بر ثبات سیاسی تبدیل شود.

مواضع امام (ره) در مقاطع سوم (پس از آزادی خرمشهر)

امام (ره) پس از آزادسازی مناطق اشغالی و متعاقب فتح خرمشهر، طی سخنانی، مواضع ایران را مجدداً بیان فرمودند: «امام (ره) با توجه به برتری نظامی ایران فرمودند: «امروز، با فتح خرمشهر مظلوم دولت و ملت پیروزمند ما از موضع قدرت سخن می‌گویند.»^۵

ایشان با توجه به تغییر شرایط به زیان صدام و ماهیت تلاشهای صلح با هدف نجات صدام فرمودند: «قریب به مدت دو سال، که صدام عقلی به کشور اسلامی ایران تجاوز کرد و شهرهای مسلمان عرب ایرانی را خراب و کوچک و بزرگ آن سامان را با آتش توپها و موشکها و دیگر سلاحها به قتل رساند، دولتهای جهانخوار و وابستگان آنان او را محکوم نکردند و سازمانهای حقوق بشر و امثال آنان دم فرو بستند اما امروز که لاشه نیمه جان صدام و حزب کافر بعث در بغداد نفسهای آخر را می‌کشند، جهانخواران و تمام وابستگان نشان تبلیغات و رفت و آمدهای پی‌درپی، صلح طلب شده‌اند.»^۶

امام (ره) مجدداً در مورد شرایط ایران برای پایان یافتن جنگ فرمودند: «یکی از شرایط ما این است که بیرون بروید... بدون قید و شرط باید بیرون بروید اگر هم بیرون نروید بیروتان می‌کنیم مسئله دوم مسئله

خسارتهایی که وارد کردند و باید معلوم بشود که مجرم کیست؟» امام (ره) صلح بدون تأمین شدن شرایط ایران را به زیان صلح می‌دانستند و فرمودند: «ما اگر صلح بکنیم، معنایش تشویق کردن، این جانی به جنایتش است.»^۷

حاصل سخنان امام (ره) تعیین سه شرط برای صلح و برقراری آتش بس بود:

الف) خروج بدون قید و شرط نیروها متجاوز از مناطق اشغالی،

ب) تعیین مجرم، متجاوز و محکومیت او از سوی یک هیئت بی‌طرف بین‌المللی،

ج) تعیین خسارات جنگی از سوی هیئت بین‌المللی.

امام خمینی (ره) صدام را فردی امریکایی - بعثی و غیرمسلم می‌دانستند که برای منافع امریکا علیه اسلام و کشور اسلامی ایران به جنگ وارد شده و به کشتار و غارت اقدام کرده است

حال با توجه به موقعیت برتر ایران و پیشنهادهای عادلانه برای صلح، چرا عراق و حامیان این کشور از پذیرش خواسته‌های ایران خودداری ورزیدند و عملاً زمینه‌های ادامه جنگ را فراهم کردند؟ آیا در چنین شرایطی، ایران می‌توانست از خواسته‌های برحق خود چشم‌پوشی کند؟

در هر صورت، حامیان عراق با وجود تغییر شرایط و برتری ایران از محکوم کردن عراق به عنوان متجاوز و به عنوان پیش‌شرط ایران برای برقراری آتش بس خودداری و تنها روی برقراری آتش بس و تقدم آن به هر مسئله دیگری تأکید می‌کردند؛ و همین مسئله‌ای بود که موجب شد عملاً، زمینه‌های ادامه جنگ فراهم شود.

امام(ره) به دلیل خودداری حامیان عراق از تأمین خواسته‌های ایران پس از عملیات رمضان، مجدداً تأکید فرمودند: «ما صلح صدامی را نمی‌پذیریم ما چطور می‌توانیم همین طوری قید و شرط بنشینیم و صحبت و مصالحه کنیم؟ شورای امنیت هم اگر بگوید ما نمی‌پذیریم، همهٔ عالم بگویند ما نمی‌توانیم این طور صلح را بپذیریم.»

هیچ عاقلی این صلح را نمی‌پذیرد. تمام هیئتهایی که اینجا آمدند، از اول و بعد هم شاید بیایند، می‌بینند که ما فقط یک صحبت داریم. ما صلح را قبول داریم، ما صلح را استقبال می‌کنیم، اما یک صلح شرافتمندانهٔ اسلامی

شد. طی این مدت امام(ره) بر مفهوم ماهیت دفاعی بودن جنگ تأکید کردند و با استناد به آیهٔ قرآن، استراتژی جنگ تارفع فتنه^۹ را در تداوم استراتژی عبور راه قدس از کربلا عنوان کردند.

در مرحلهٔ جدید دست نیافتن به نتیجهٔ قطعی و تعیین کننده در صحنهٔ سیاسی - نظامی سبب شد تا به تدریج، نوعی از مخالفت‌های داخلی با بهانه‌های شرعی و گاه سیاسی در برابر جنگ شکل بگیرد. امام(ره) از حرکت جدید به نام صلح تحمیلی یاد کردند که از سوی اشخاص حیل‌گر به حضرت علی(ع) و امام حسن(ع) تحمیل شد، اما بر پایهٔ همین ملاحظه فرمودند: «دین ما را هدایت می‌کند به اینکه نه زیر بار صلح تحمیلی برویم و نه زیر بار حکمیت تحمیلی.»^{۱۰}

مواضع امام خمینی(ره) در مقطع چهارم (تصویب قطعنامه ۵۹۸)

فتح فو موازنهٔ جنگ را به سود ایران تغییر داد. امام(ره) بر پایهٔ شرایط جدید، تأکید فرمودند: «باید کاری کرد که صدام یک ضربهٔ دیگری بخورد و برود سراغ کارش»^{۱۱}. همین ملاحظه سبب شد تا در سال ۱۳۶۵. عملیات کربلای ۴ صورت گیرد. سپس، کربلای ۵ و واکنش عراق در گسترش جنگ با جنگ نفتکشها و جنگ شهرها زمینهٔ تصویب قطعنامه ۵۹۸ را فراهم آورد. در واقع سال ۱۳۶۶، سال بهره‌برداری از

امام (ره) در دیدار با حبیب شطی به طور

مفصل تری در مورد مهاجم بودن عراق

فرمودند: الان جنگ در ایران است و همین

دلیل تهاجم بر ماست و اگر ما مهاجم بودیم

در عراق بودیم

صلحی است که باید بفهمند که متجاوز چه کرده است، صلحی که باید خسارات این کشور جبران بشود.»^{۱۲}

نتایج عملیات رمضان و دست نیافتن به نتیجهٔ قطعی در صحنهٔ نبرد امکان پایان بخشیدن به جنگ را کم رنگ کرد. از این پس، جمهوری اسلامی تنها بر پایهٔ توانمندی نظامی، توانایی تحمیل کردن صلح به عراق را نداشت. عراق نیز متقابلاً بر پایهٔ قابلیت دفاعی خود در اندیشهٔ ایجاد بن بست نظامی و تحمیل راه حل سیاسی بر ایران بود. تمامی روند تحولات جنگ پس از فتح خرمشهر در چهارچوب همین معادله ادامه یافت.

بن بست نظامی ناشی از پیدایش وضعیت جدید سیاسی نظامی به بیان انتقادهایی از جنگ و ادامهٔ آن منجر

**امام (ره) به دلیل خودداری حامیان عراق از تأمین خواسته‌های
ایران پس از عملیات رمضان، مجدداً، تأکید فرمودند:
ما صلح صدامی را نمی‌پذیریم ما چطور می‌توانیم همین‌طور
بی‌قید و شرط بنشینیم و صحبت و مصالحه کنیم؟ شورای
امنیت هم اگر بگوید ما نمی‌پذیریم، همهٔ عالم بگویند
ما نمی‌توانیم این‌طور صلح را بپذیریم**

معرفی کردن ایران و تبرئهٔ عراق، تا این کشور بتواند هر گونه اقدام جنایت آمیزی را علیه ایران انجام دهد. امام خمینی (ره) بر این باور بودند که منطق فشار به ایران و نادیده گرفتن حقوق ملت آن، تنها به دلیل تعهد ملت ما به اسلام است؛ بنابراین ایشان در پیام برائت فرمودند: «به خوبی دریافته‌ایم که برای هدف بزرگ و آرمانی اسلامی - الهی باید بهای سنگین پرداخت نماییم و شهدای گرانقدری را تقدیم کنیم و جهان‌خواران ما را راحت و آرام نخواهند گذاشت».^{۱۴}

امام (ره) در مورد منطق برخورد دنیا با ایران در پیام برائت فرمودند: «دنیا در شروع تجاوز به ما پیشنهاد می‌کرد که برای جلوگیری از تهاجم بیشتر به کشورتان، حاکمیت و خواسته‌های صدام را بپذیرید و به زورگویی صدامیان گردن نهید و امروز، هم در راستای همان سیاستها و در زیر بمباران مناطق مسکونی و حملهٔ شیمیایی و حمله به نفتکشها و هواپیماهای غیرنظامی و قطارهای مسافربری به زبان دیگر ما را به پذیرش حکومت زور و تجاوز صدامیان دعوت می‌کند».^{۱۵}

امام (ره) حضور امریکا در خلیج فارس و اسکورت نفتکشها و همچنین، تهدید به مجازات ایران در صورت عدم پذیرش قطعنامه ۵۹۸ را به مثابه تهدید ایران به زور برای پذیرش صلح ارزیابی می‌کردند و دستور به مقاومت، خودداری از اختلاف در داخل کشور و ضرورت توجه به جنگ می‌دادند.

دستاورد های نظامی سال ۱۳۶۵ بود. قطعنامهٔ ۵۹۸ کمترین امتیازی بود که حامیان عراق حاضر بودند برای نجات عراق بدهند. در واکنش به این قطعنامه ایران نظر به جنبه‌های مثبت آن، قطعنامه را رد نکرد و تلاشهای دیپلماتیک گسترده‌ای را برای جابه‌جایی بندهای قطعنامه آغاز کرد. در این دوره، با وجود افزایش فشار اقتصادی و تأثیرات ناشی از صدمه به صنایع و افزایش خاموشی برق در زندگی مردم، امام (ره) با استناد به روحیهٔ مردم در مقاومت در برابر جنگ شهرها و سردادن شعار جنگ جنگ تا پیروزی پس از اصابت موشک به منازل مسکونی، بر ادامهٔ مقاومت تأکید می‌فرمودند. ایشان با اشاره به کسانی که می‌گفتند: «باید سازش کرد»، استدلال کردند: «اینها می‌فهمند که ما اگر سازش کنیم، له می‌شویم. اینها راضی اند به اینکه سازش بشود؟».^{۱۶} امام تأکید داشتند: «به صدام مهلت داده نشود؛ زیرا، هر روزی که مهلت می‌دهیم، او را تقویت می‌کنند و کار مشکل‌تر می‌شود، باید مهلت بهش نداد. سستی نباید کرد... باید فکر کنید و نگذارید کار مشکل بشود».^{۱۷}

امام (ره) در سال ۱۳۶۶ به دنبال حادثهٔ حج خونین و حضور امریکا در خلیج فارس و افزایش دامنه فشار، به ایران به دو مسئله اشاره فرمودند:
الف) افزایش فشار به ایران به دلیل برتری ایران و نگرانی قدرتهای بزرگ از پیروزی ملت ایران است.
ب) سازماندهی افکار بین‌المللی برای جنگ طلب



از جمله شرایطی که امام خمینی (ره) برای
 برقراری صلح مطرح کردند، عبارت بود از:
 (۱) عقب‌نشینی بدون قید و شرط ارتش عراق،
 (۲) پرداخت خسارت و
 (۳) استعفای صدام از حکومت عراق و آزاد
 گذاشتن ملت عراق

منطقه غرب برای نخستین بار، ماهیت صلح‌طلبی
 دروغین صدام را آشکار شد و با تغییر شرایط بین‌المللی
 و داخلی به سود ایران، در نهایت، عراق تحت فشار
 بین‌المللی و ناکامی نظامی در صحنه جنگ، با پذیرش
 قطعنامه ۵۹۸، زمینه برقراری آتش‌بس و پایان یافتن
 جنگ هشت‌ساله را فراهم کرد.

مواضع امام (ره) در مقطع پنجم (پذیرش قطعنامه ۵۹۸)

تحولات نظامی جنگ در ماه‌های پایانی و سقوط فاو و
 دیگر مناطق، اوضاع را به زیان ایران و به سود عراق تغییر
 داد و در واقع، پذیرش قطعنامه ۵۹۸ و خودداری از
 تلاش‌های سیاسی برای تغییر و جابه‌جایی بندهای
 قطعنامه تنها راه حلی بود که فراوی جمهوری اسلامی
 قرار داشت. امام (ره) در پیام استقامت با اشاره به چند
 مسئله، بر پذیرش قطعنامه تأکید کردند:

(۱) پذیرش قطعنامه را به مثابه نوشیدن جام زهر دانستند.
 (۲) این تصمیم از سوی مسئولان و با هدف تشخیص
 مصلحت اتخاذ شد.

(۳) خودداری از برخورد احساساتی و ضرورت توجه به
 شرایط و آمادگی در برابر توطئه‌های احتمالی و تجاوز
 مجدد عراق.

امام (ره) در ملاقات با فرمانده وقت سپاه، مسئولیت
 مسائل سیاسی مربوط به جنگ را به وزارت امور خارجه
 و مسئولیت جبهه‌ها را به نیروهای نظامی و انتظامی
 واگذار کردند و فرمودند: «امروز، روز حضور گسترده
 در جبهه است؛ فکر نکنید که دیگر جنگ تمام شده است.
 خود را مسلح به سلاح ایمان و جهاد کنید... ما تا قبول
 قطعنامه از سوی عراق، جواب دشمنان اسلام را در
 جبهه‌ها خواهیم داد».^{۱۶}

ادامه تجاوز عراق در منطقه جنوب و منافقین در

یادداشتها

۱. صحیفه نور، جلد ۲، ص ۱۰.
۲. روزنامه اطلاعات، ۱۳۵۹/۷/۸.
۳. همان.
۴. روزنامه اطلاعات، ۵۹/۹/۶ و ۵۹/۱۰/۲۷.
۵. صحیفه نور، جلد ۲، ص ۱۵.
۶. صحیفه نور، جلد ۲، ص ۳۵.
۷. روزنامه اطلاعات، ۶۷/۷/۱۱.
۸. روزنامه اطلاعات، ۶۷/۷/۱۱.
۹. روزنامه کیهان، ۶۲/۹/۲۰.
۱۰. صحیفه نور، جلد ۴، ص ۵۰.
۱۱. روزنامه اطلاعات، ۶۵/۶/۲.
۱۲. روزنامه کیهان، ۶۶/۳/۸.
۱۳. همان.
۱۴. صحیفه نور، جلد ۴، ص ۵۸.
۱۵. صحیفه نور، جلد ۵، ص ۲۵.
۱۶. صحیفه نور، جلد ۵، ص ۳۰.